

جبهه تروریستی سوریه - اوکراین

<http://www.fondsk.ru/news/2014/03/10/sirijsko-ukrainskij-terroristicheskij-front-26283.html>

۷ حمل ۱۳۹۳

کودتای مسلحانه ماه فوریه در اوکراین در واقع اجرای «سناریوی سوریه» در یک کشور برادر روسیه بود. کودتا عبارت است از نتیجه اقدام از قبل برنامه شده در هماهنگی با قدرت «نرم» و «خشن» تحت فرماندهی قدرتهای خارجی. سناریوی مشابهی را غرب در یوگسلاوی و لیبی به اجرا گذاشت و از سه سال پیش تا کنون سعی می‌کند در سوریه به اجرا درآورد. در همه کشورها از یک روش استفاده می‌شود. یک مجموعه کامل مداخله از خارج با هدف تعویض مقامات دولتی و برقراری کنترل خارجی بر کشور طرح ریزی شده است.

تسخیر مسلحانه حاکمیت دولتی در **کی‌یف** بدست شبه نظامیان آموزش دیده توسط مریبان سازمان سیا بوقوع پیوست. بخش قابل ملاحظه آنها را شهروندان مناطق غربی اوکراین، مزدورانی از لهستان و دیگر کشورهای اتحادیه اروپا، گرجستان و همچنین، اسلامگرایان جنگ آزموده در لیبی و سوریه تشکیل می‌دادند.

در اوکراین از تک تیراندازان، رهبران اجیر میدان - همچنین از عناصر روشهای بکار برده شده در سوریه استفاده شد. هم اکنون در اوکراین در صفوف باندهای مسلح ضد دولتی چند هزار شبه نظامی تبعه جمهوریهای قفقاز شمالی روسیه می‌جنگند و منتظر فرمان معاون کنونی رئیس کمیته امنیت ملی و دفاع اوکراین، **دمیترو یاروش** هستند تا با پیوستن به تروریست چچنی، دوکو عمراف «برعلیه روسیه بجنگند»... یاروش، همانطور که واضح است، تمایل خود را برای نامزدی در انتخابات ریاست جمهوری اوکراین رسماً ابراز کرد و اظهار داشت در صورت پیروزی در انتخابات، «اراضی اشغالی اوکراین توسط روسیه» را آزاد خواهد کرد. منظور او از «اراضی اشغالی اوکراین»، در واقع استان بلگراد و یکسری مناطق دیگر روسیه می‌باشد. او همچنین خواستار برسمیت شناخته شدن دسته‌های مسلح وابسته به «جبهه راست» بمثابه یگانهای مسلح قانونی رژیم جدید و باز کردن زرادخانه‌های تسلیحاتی به روی آنها شد.

در حال حاضر در شهرهای **خارکوف، دانتسک، لوگانسک، دنپروپتروفسک** و سایر مراکز استانهای جنوب شرقی اوکراین تلاشهایی برای تقویت دسته های مسلح شبه نظامیان «جبهه راست» و شرکتهای نظامی خصوصی بعمل می آید. باندهای شبه نظامی به عملیات تروریستی (از جمله، موارد ضرب و شتم، قتل و آدمربائی در خارکوف) علیه فعالان مخالف «میدان» و سازمانهای طرفدار روسیه دست می زنند. ارسال نامه های الکترونیکی تهدیدآمیز علیه مقامات استانهای همجوار روسیه با اوکراین (استانهای **کورسک، بلگراد، بریانسک**) همراه با طرح درخواست «پایان دادن به حمایت از سیاستهای دولت روسیه و اظهار تمایل برای پیوستن به اوکراین»، بخش دیگری از فعالیت آنها را تشکیل می دهد. در نقطه مقابل این، مردم شهرهای خارکوف و دانتسک در تجمعات هزاران نفری خواستار برگزاری همه پرسی مشابه کریمه برای تعیین سرنوشت هستند. تصرف قدرت در اوکراین توسط ملی گرایان افراطی و فاشیستهای ضد روسیه در مراکز ناتوی طرح ریزی شده بود. روشن است، که مرحله بعدی «نبرد در راه اوکراین» باید عضویت اوکراین در ناتو باشد و لایحه قانونی آن، هم اکنون برای تقدیم به **رادا- مجلس قانونگذاری** - «پس از انقلاب» آماده می شود. دبیر کل ناتو باز بودن درها به روی اوکراین را اعلام کرد. عضویت اوکراین در ناتو شرایط نزدیک شدن هر چه بیشتر نیروهای مسلح پیمان ناتو به مرزهای روسیه را فراهم می کند و به موشکهای ناتوی اجازه هدف قرار دادن موشکهای دوربرد روسیه را می دهد و مدت پرواز موشکهای ناتو تا مناطق مسکونی روسیه را به چند دقیقه کاهش می دهد. عضویت اوکراین در ناتو، موجب برچیدن پایگاه ناوگان دریای سیاه روسیه در سواستوپل می گردد. به قدرت رسیدن نیروهای ضد روسیه در اوکراین از دیدگاه اقتصادی بمعنی قطع رابطه تولیدی- صنعتی مؤسسات اوکراینی مجری سفارشات روسیه، از جمله در بخش صنایع نظامی (تجهیزات هواپیمائی، کشتی سازی، قطعات موشکی، ماشینهای زرهی و حمل و نقل) محسوب می شود. در صورت تداوم حاکمیت ضد روسیه در کی یف، ظهور کانونهای تروریسم و احتمال استفاده قدرتهای خارجی از آن در اراضی اوکراین برای بی ثبات سازی روسیه و تجزیه آن طبق الگوی اتحاد شوروی ناگزیر خواهد بود.

با این حال، تدابیر اتخاذی رهبری روسیه می تواند جلو چنین روند حوادث را بگیرد. در این باره، قبل از هر چیز، حمایت از همه پرسی در مورد تعیین سرنوشت کریمه را می توان یادآوری کرد.

نیروهای اجتماعی در استانهای جنوبی و شرقی اوکراین به حمایت مشابه از برگزاری همه پرسی امیدوار هستند.

رویدادهای اوکراین در بلوک یکپارچه غرب شکاف انداخت. در پایتختهای اروپایی می فهمند، که امکان تشکیل کانون تروریسم اسلامی در اوکراین می تواند باعث نفوذ تروریستها به کشورهای اتحادیه اروپا بشود، و این، بموازات بازگشت جهادیون تبعه کشورهای اروپائی از سوریه، اوضاع امنیتی در اروپا را با چالشهای جدی مواجه خواهد ساخت. حمایت چین و همچنین، اکثریت کشورهای عربی، مهمترین آنها، مصر و سوریه از مواضع روسیه، مطمئن ترین عامل ثبات مناسبات بین المللی بحساب می آید.

بحران اوکراین مهمترین مرحله تحول در مناسبات بین روسیه و غرب گردید. این بحران آخرین توهومات همه آنهايي را که جامعه اروپا را بمثابه مرکز و نمونه دمکراسی و نخبگان سیاسی غرب را بعنوان ضامن بی عیب و نقص حقوق بشر تلقی می کردند، در هم شکست. غرب در اوکراین نشان داد، که بسبب تمایل نامحدود خود برای گسترش بسمت شرق، همواره حقوق بشر - حق حیات انسان را وقیحانه زیر پا خواهد گذاشت. این یک درس جدی و تأمل برانگیز است که روسیه هنوز باید آن را بطور کامل فراگیرد.